

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

علیرضا ثقفی خراسانی

جنبش مردمی و جناح‌های مختلف حکومت

به ادامه گذشته:

- شرکت کوکا کولا:

این شرکت نیز به داشتن رابطه نزدیک با اسرائیل مشهور است. طرف قرارداد این شرکت شرکت خوشگوار مشهد و آستان قدس رضوی است. (۱۲)

به گزارش خبرنگار مهر به نقل از تایمز، "دانا بولدن" یکی از مدیران شرکت کوکاکولا گفت: این شرکت از اداره کنترل دارائی‌های خارجی آمریکا مجوز فروش کنسانتره نوشابه به ایران را گرفته است.....بولدن همچنین در واکنش به خبر مجمع مطالبه مردمی مشهد درباره انتقال سالانه ۱۵۰ هزار دلار از طریق یک شرکت ایرلندی به کوکاکولا نیز گفت: به دلایل خاصی من نمی‌توانم درباره کشورهایی که ما به آنها صادرات داریم و یا روابط مالی داریم و در آنجا کوکاکولا تولید می‌کنیم اظهار نظر کنم. کوکاکولا که پس از انقلاب اسلامی از بازار ایران خارج شده بود از سال ۱۹۹۴ با امضای قرارداد فرانشیز با شرکت‌هایی از جمله خوشگوار مجدداً وارد بازار ایران شد که شرکت‌های ایرانی از طریق یک شرکت ایرلندی به نام کوکاکولای آتلانتیک و بعدها از شرکت کنسانتره Drogheda شهد نوشابه کوکاکولا را دریافت می‌کردند. محصولات تولیدی شرکت خوشگوار تحت لیسانس شرکت کوکاکولای آمریکا در ایران:

۱- نوشابه کوکا کولا ۲- نوشابه فانتا ۳- نوشابه اسپرایت محصولات تولیدی شرکت ساسان تحت لیسانس شرکت پپسی‌کولای آمریکا:

۱- نوشابه پپسی کولا ۲- نوشابه میراندا که بازار بزرگی در ایران و منطقه را تسخیر کرده است. (۱۳)
از این موارد در مورد کشورهای بزرگ سرمایه‌داری دیگر مانند فرانسه، انگلیس و آلمان و ... بسیار می‌توان مثال آورد، چرا که دولت ایران آن حساسیت آمریکا و اسرائیل را در مورد این کشورها ندارد. به مواردی چند اشاره می‌کنیم:

۱- بخش اعظم بنزین وارداتی ایران توسط شرکت ریلینس، شرکت فرانسوی توتال، شرکت های سوئیسی ویتول و گلنکور و شرکت بریتانیایی بریتیش پترولیوم تأمین می‌شود. شرکت بیمه لویدز لندن بیمه کننده بیشتر محموله‌های بنزین صادراتی به ایران است. گفته می‌شود "بانک صادرات و واردات آمریکا" در سال‌های گذشته وام‌هایی را به

ارزش تقریبی ۹۰۰ میلیون دلار در اختیار شرکت ریلاینس قرار داده است. وام‌های مشابهی به شرکت ریلاینس در سال مالی ۲۰۱۰ که در ماه اکتبر امسال آغاز خواهد شد، و در همین رابطه وزیر خارجه آمریکا خانم کلینتون در ۲۹ تیر در سفر به هند به این شرکت اطمینان داد که تحریم بنزین ایران فعلا منتفی است. (۱۴)

حتما به این دلیل که در اوج ناآرامی‌ها ماشین‌های نقل و انتقال نیروهای امنیتی نیاز مبرمی به سوخت دارند. مردم هم که با پای پیاده راهپیمایی می‌کنند و نیازی به سوخت ندارند !!!.

۲- "ایران خودرو" به همراه مجموعه سایپا، انحصاری عینی بر بازار خودرو اعمال می‌کنند: سایپا ۳۵ درصد بازار و ایران خودرو ۵۵ درصد آنرا در اختیار دارد. پس از آزاد شدن واردات در این بخش، ایران خودرو با شرکت‌های خارجی طرح همکاری مشترک ریخت: ۷۵۰ هزار اتومبیل در سال ۲۰۰۴، یک میلیون و صد هزار در سال ۲۰۰۶ و یک میلیون و دویست هزار در سال ۲۰۰۸ به فروش رفته است.

برای "ایران خودرو" این همکاری با قصد حفظ برتری در بازار و دستیابی به تکنولوژی‌های جدید انجام گرفت که برای بالا بردن کیفیت محصولاتش و اشاعه بین‌المللی آنها ضروری است. گروه پژو-سیتروئن که از سال ۱۹۹۲ برای ساخت ۴۰۵ (که ۶۰ درصد آن در داخل تولید می‌شود) با ایران خودرو همکاری صنعتی داشت با امضای قراردادی در مارس ۲۰۰۱ گام جدیدی به جلو برداشت: توافقنامه برای مونتاژ اتومبیل‌های ۲۰۶ و ۳۰۷ با نقش محدود داخل در تولید آنها.

شرکت رنو نیز برای مونتاژ لوگان (نام ایرانی آن تندر است) یک شرکت مشترک با دو غول صنایع اتومبیل ایران به وجود آورد. ۵۱ درصد سهام این شرکت که رنو پارس نام دارد متعلق به رنو است و ایران خودرو و سایپا ۴۹ درصد آنرا مشترکا در اختیار دارند.

جالب آنجا است که صنایع نفت و گاز و اتومبیل که بیشترین سرمایه‌های آمریکا و اروپا در آنها مشغول به کار هستند، و سودهای کلانی هم از آنها می‌برند در بدترین شرایط به لحاظ نیروی کار قرار دارند و این طرفداران حقوق بشرکشورهای غربی تا کنون کمترین اعتراضی به شرایط استثمار وحشیانه نیروی کار در این صنایع نکرده‌اند. از جمله آنکه طی بخش‌نامه‌های رسمی هر گونه تشکل کارگری در این صنایع، حتی انجمن اسلامی، ممنوع است. در حالیکه در سایر بخش‌ها انجمن اسلامی وابسته به کارفرما تشویق می‌شود، اما در این صنایع بدترین فشارها به کارگران وارد شده و کمترین اعتراضی در این بخش‌ها کافی است تا سروکار کارگران با نیروهای امنیتی باشد. در این واحدها نیروهای امنیتی تحت عنوان حراست دفتر و دستک رسمی وسیعی دارند.

باید در نظر بگیریم که صنایع نفت و گاز و خودرو که در انحصار کامل سرمایه‌های غربی است بیش از ۹۰ درصد اقتصاد ایران را تشکیل می‌دهد و معلوم نیست اگر یک حکومت طرفدار کامل غرب در ایران بر سر کار بود دیگر چه کاری می‌توانست انجام دهد تا وفاداری خود را به غرب اثبات کند. در این زمینه‌ها هر دو جناح حاکم همیشه در وحدت کامل بوده و هستند.

۳- در ماه بهمن ۸۷ یکی از نمایندگان عضو حزب کارگر در مجلس عوام بریتانیا، طی جلسه علنی، که به پرسش و پاسخ دولت و نمایندگان، پیرامون مسایل داخلی و خارجی اختصاص دارد، با طرح موضوع جریمه فوق العاده سنگین بانک لوید تی اس پی انگلیس به اتهام پول‌شویی برای ایران، از گوردون براون نخست وزیر آن کشور در این مورد توضیح خواست. بانک لوید تی اس بی، با اعلام قبول اقدام به پول‌شویی برای ایران و در نتیجه نقض قوانین آمریکا و ندیده انگاشتن تحریم‌های بین‌المللی بانکی در این مورد، از پرداخت دواطلبانه یک جریمه ۳۵۰ میلیون دلاری به آمریکا خبر داده بود. مطابق این اقدام، اسناد و مدارک بانک یاد شده برای تحقیق بازرسان گشوده

خواهد شد و در صورت اثبات این موضوع که بخشی از پول‌های شسته شده به منظور کمک به گروه‌های تروریست به مصرف رسیده است، آنگاه مدیران بانک در معرض محاکمه قانونی قرار خواهند گرفت!!
یعنی آنکه اصل پول‌شویی از جانب نمایندگان پارلمان دولت فخیمه برای ایران اشکال ندارد و دولتمردان ایران حق دارند دارایی‌های غارت شده از ایران را به دیار فخیمه بفرستند تنها نباید صرف فعالیت های تروریستی شود. که البته آنهم تعبیر خود را دارد و کشتن مخالفان را می‌شود نادیده گرفت .

بانک لوید تی اس بی که اخیراً از یک کمک بزرگ مالی دولت بریتانیا برای فرار از ورشکستگی بر خوردار شده، پذیرفته است که در انتقال ۳۰۰ میلیون دلار پولهای ایران به امریکا ایفای نقش کرده است. این پول‌ها، مطابق اطلاعات موجود، پس از تبدیل شدن به دلار امریکا، به حساب مؤسسات صوری در نیویورک و اریز و از آن میداء به مقصدهای دیگری در سراسر جهان انتقال یافته اند. گزارش‌ها همچنین حاکی است که بیش از ده بانک معتبر جهان در اجرای پول‌شویی برای ایران دست داشته و تا کنون موفق شده اند میلیاردها دلار از حواله‌های مالی متعلق به ایران را تبدیل و به حسابهای مورد نظر واریز کنند.

۴- فروش سهام کارخانه ها و معادن ایران به شرکت‌های خارجی و چندملیتی. فروش ۶۱ درصد سهام مس ایران به سوئدی‌ها و معادن طلا به بریتانیا و...

۵- و اخیراً بازی موش و گربه در باره پرونده هسته‌ئی و کشتار اخیر مردمی که در تظاهراتی آرام حقوق اولیه و آزادی‌های اجتماعی را خواستارند. هر چند در ظاهر ژست هائی برای محکوم کردن دولت ایران گرفته می‌شود اما در واقع هیچ اقدام جدی در این مورد صورت نگرفته است به عنوان مثال تنها مدت زمان صدور روایید به مقامات ایرانی را طولانی کرده‌اند.

در حالی که در هندوراس که مردم به گلوله بسته نشدند، تمام کشورهای اروپائی سفیران خود را از آن کشور خارج کردند اما در ایران بیش از ۱۵۰ نفر کشته شدند اما حتا یک کشور سرمایه داری هم سفیر خود را از ایران خارج نکرد و حتا برای سفرهای دیپلماتیک هم هیچ محدودیتی به وجود نیاوردند. علاوه بر آن حساب های متعدد مقامات ایرانی در این کشورها محفوظ است. پس مشخص می شود برای این دولت ها رفتار حاکمان با مردم و رعایت حقوق بشر دارای اهمیت چندانی نیست و چیز دیگری سیاست‌های جاری آنان را در رابطه با کشور هائی مانند ایران تعیین می کند. سوال اصلی اینجاست که این حکومت تا کنون چه ضرری برای دولت‌های سرمایه‌داری غرب داشته است؟

همکاری واقعی با مردم، خودداری از فروش کالاهائی است که برای سرکوب و سانسور مردم ایران به کار می‌رود نه کالاهائی که زندگی مردم عادی را آن چنان تحت فشار قرار می دهد که درکنار تورم افسار گسیخته امان از آنان می‌برد و همچنین قطع ارتباطات اقتصادی با دولت ایران و یا سفر مقامات به اصطلاح دیپلماتیک، بلوکه کردن حساب های میلیاردي حاکمان و ...

اما آیا سودهای کلان می گذارد که دولت‌های سرمایه‌داری چنین کنند؟ در این سال‌ها همواره حاکمان ایران چه اصلاح طلب و چه اصول‌گرا بی‌کم و کاست سیاست‌های WTO و بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را اجراء کرده اند. و هزاران ایرانی در این مسیر صدمه بسیار دیده‌اند. واحدهای تولیدی بسیاری تعطیل شده و یا خصوصی‌سازی شده و سپس تعطیل گشته و ایران تبدیل به بازار مناسبی برای کالاهای کشورهای بزرگ سرمایه داری گشته است. صدها هزار نفر بیکار و آواره شده اند و ملیونها نفر مجبور به ترک دیار شده تا نیروی کار خود را ارزانتر در اختیار سرمایه های جهانی قرار دهند.

تمام این مسایل در سه دهه‌ی اخیر با همکاری هر دو جناح حکومت جمهوری اسلامی صورت گرفته است و بار تمام این اعمال بردوش مردم ما بوده است به گونه‌ای که تمام مردم این مسایل را با تمام وجود احساس کرده‌اند. حرکت متضاد میان دو جناح که هر یک برای داشتن سهمی بیشتر با دیگری مبارزه می‌کند نه تنها با این سابقه برای مردم ما تفاوت چندانی ندارد بلکه مسأله اصلی شکستن آن ماشین سرکوبی است که در این سه دهه با این همکاری وسیع میان نظام سرمایه‌داری غرب با بنیادگرایی در منطقه ایجاد شده است. بنیادگرایی در منطقه به آن چنان اهرمی برای سرکوب مبارزات مردم منطقه تبدیل شده است که به راحتی نمی‌توان با آن مقابله کرد و این مسأله را مردم ما درک می‌کنند.

آن گاه که مردم از تضاد به وجود آمده میان جناح های قدرت برای سهم بیشتر استفاده می‌کنند بدان خاطر است که در برابر قدرت منسجم و تقویت شده بنیادگرایی که یک ماشین سرکوب وسیع، بی‌رحم و خشن و بدون هیچ گونه محدودیتی به وجود آورده‌اند، تنها می‌توان به شکاف میان آن امید بست. و مردم از این شکاف برای بیان خواسته‌های خود استفاده می‌کنند. خلاف بعضی تحلیل‌ها که یک جناح را نماینده کارگران و اقشار پائین جامعه و جناح دیگر را اقشار متوسط و یا نولیبرال می‌دانند، باید گفت که هیچ یک از این دو جناح چنین نمایندگی‌ها و چنین طرفدارانی ندارند. هنگامی می‌توان از نمایندگی و حمایت مردمی از یک جناح صحبت کرد که یک نهاد بی‌طرف بتواند آزادانه در این مورد تحقیق کند و یا آنکه حداقلی از آزادی‌های سیاسی وجود داشته باشد تا بتوان در آن اظهار نظر کرد. کسانی که چنین تحلیل‌هایی ارائه می‌دهند باید بگویند که امار و اطلاعات خود را با تکیه به کدام نهاد معتبر در داخل ارائه می‌دهند و یا آنکه آن حد اقل‌هایی که بتوان اظهار نظر کرد در کجا وجود دارد؟ آنچه در این زمینه جریان دارد یک بنیادگرایی مورد حمایت نظام سلطه جهانی است که در برابر مردم قرار دارد.

بسیاری که از دوردستی بر آتش دارند نمی‌دانند که مردم ما در سی سال گذشته با ارتجاع قدرتمندی مواجه بوده‌اند. ارتجاع قدرتمندی که از همکاری کل نظام سرمایه داری با یک سیستم قرون وسطایی سرکوب ناشی شده است. قتل‌عام‌ها و شیوه‌های شکنجه و سرکوب در ایران با هیچ یک از کشورهای دیگر قابل مقایسه نیست.

اکنون مردم ایران با آن شرایط وحشتناک تنها راه اعتراض خود را در شکاف میان این حاکمیت وحشتناک یافته‌اند و این مسأله‌ای است که متأسفانه عده‌ای به آن توجه ندارند. حاکمیت خاص در اینجا با هیچ یک از کشورهای امریکای لاتین و یا بلوک شرق قابل مقایسه نیست. با یک تظاهرات ساده اول ماه مه با شدیدترین وجه برخورد شد، تجمعات آرام مردم با گلوله پاسخ داده شد. حداقل ۲ زندانی دستگیر شده در ۱۸ تیر در زندان و به خاطر صدمات ناشی از رفتارهای خشن در زندان کشته شده‌اند. خشونت به کار رفته از جانب پلیس در آن با هیچ کدام از خشونت‌های موجود در سی سال گذشته در کشورهای دیگر قابل مقایسه نیست.

این همه درس‌هایی بوده که مردم ما در سی سال گذشته دریافته‌اند و اکنون از این شکاف به وجود آمده برای بیان خواسته‌های خود هوشمندانه استفاده می‌کنند. شعارهایی نظیر: "هاشمی حرف نرنی خانی" در حقیقت کشاندن بخشی از حاکمیت به چالش با بخش دیگر است در حالی که مردم هر دو بخش را به خوبی می‌شناسند. این نشان از هوشیاری مردم است. آن کس که گمان می‌کند مردم دنباله‌رو یک جناح در مبارزه با جناح دیگر شده‌اند، بهتر است سری به خیابان‌ها بزند و با مردم صحبت کند و از ظن خود یار دیگران نشود.

اما مردم ما به نیروی خودشان حقتان را می‌گیرند.

به همین جهت است که بسیاری از روشنفکرانی که در سال‌های اخیر مورد انواع آزارها قرار گرفته‌اند، اعتقاد بر آن دارند که در این اعتراضات باید شرکت کرد و آن را ارتقاء داد. خواسته‌های اصلی مردم که همان برکناری

ماشین سرکوب است را مطرح کرد. ماشین سرکوبی که شامل حداقل ۹ نوع پلیس است: بسیج، سپاه، نوپو، نیروی ویژه، نیروی انتظامی، پلیس امنیت، اطلاعات، اطلاعات سپاه، پلیس قضائی و ...

برخوردهای دوگانه و گاه چندگانه رسانه‌های نظام جهانی سر مایه داری با مبارزات مردم ما بیانگر آن است که آنان به هیچ وجه تمایل به رادیکالیزه شدن جنبش و گسترش خواسته‌های مردمی ندارند بلکه خواهان هدایت آن با راه‌های از پیش تعیین شده هستند.

وجه مشترک نیروهای واپس‌گرا از اصلاح‌طلب و محافظه‌کار تا نظام سرمایه‌داری جهانی آن است که تمام این سه وجه از رادیکالیزه شدن حرکت مردمی و بالا رفتن خواسته‌های آن وحشت دارند و با تمام وجود تلاش می‌کنند با سازش‌های خود جلو رادیکالیزه شدن جنبش را بگیرند. زیرا هم اینان و هم آنان می‌دانند در میان مردم ما جایی ندارند و خواسته‌های مردم فراتر از آن است که آنان بتوانند بر آورده کنند.

هر یک از سه وجه فوق، یعنی نظام سلطه جهانی، و دو وجه بنیادگرایی (محافظه‌کار و اصلاح‌طلب) سعی در جلوگیری از رادیکالیزه شدن خواسته‌های مردم منطقه به شیوه خود دارند. و از آنجا که نظام سلطه جهانی نیز یک دست نمی‌باشد، بخش‌های مختلف آن هر کدام با یکی از جناح‌ها و در تقویت آن هم جهت حرکت می‌کنند. جناح‌های محافظه‌کار که هم چنان به شیوه چماق و سرکوب معتقد است، پاداش خود را با سکوت و یا اعتراضات کم رنگ نظام سلطه جهانی، همراه با قرار و مدارهای پنهانی دریافت می‌کند. جناح اصلاح‌طلب پشتوانه خود را بازار آزاد و رسانه‌های پرسروصدای غربی همراه با وعده‌های بهشت برین نظام سرمایه داری و آزادی‌های پرزرق و برق نظام سرمایه داری می‌داند. این جناح ممکن است در انتها حداکثر به برداشتن حجاب اجباری و آزادی چند خواننده و هنرپیشه هالیوودی خواسته‌های مردم را محدود کند و از تعرض به اصل نظام "سودمحور" با تمام توان جلوگیری خواهد کرد. زیرا اساساً تا کنون هیچ برنامه اقتصادی متفاوتی ارائه نداده است. نظام سلطه جهانی نیز از انتقال قدرت از یک جناح به جناح دیگر چندان متضرر نشده و چندان هم خوشحال نخواهد شد زیرا در هر دو صورت منافع او تأمین است، بلکه میان جناح‌ها حرکت می‌کند یا بهتر بگوئیم بازی می‌کند. رسانه‌های پر قدرتش را در خدمت رنگی کردن و یا رنگی نشان دادن حرکت مردم قرار می‌دهد تا با در هم ریختن مفاهیم و مغشوش کردن مرز میان حرکت‌های رادیکال مردم و حرکت‌های رفرمیستی بتواند رادیکالیسم این جریان را گرفته و رهبری آن را به گونه‌ای هدایت کند که به اصل نظام سودمحور ضربه‌ای نخورد و هم چنان بتواند به قراردادهای پر آب و نان و سودهای افسانه‌ای امیدوار باشند.

امروز خواسته‌های واقعی مردم به پاخاسته استقلال و آزادی از این اتحاد نامقدس نظام سلطه جهانی با بنیادگرایی است که به قدرتی وحشتناک در سرکوب هر گونه ندای آزادی‌خواهی در ایران و منطقه تبدیل شده است. و نظام سلطه جهانی دریافته است که منافع اقتصادی و سیاسی او در وحدت با نوعی بنیادگرایی است که منافع او را تأمین کند. تقویت و تثبیت حکومت‌هایی مانند ایران، عربستان، عراق، افغانستان، امارات، پاکستان و حتی ترکیه ضرورت تداوم سلطه سرمایه جهانی در منطقه است.

زیر نویس‌ها

۱۲ - به گزارش وب سایت رسمی دولت اسرائیل شرکت کوکا کولا در سال ۱۹۶۶ با تأسیس یک کارخانه در اسرائیل به تحریم اقتصادی اعراب علیه اسرائیل دهن کجی نمود و گام مهمی را در راه تثبیت این رژیم برداشت.^۱

2. به گزارش Southern Shofar روزنامه رسمی یهودیان در آلاباما هیأت اقتصادی دولت اسرائیل در تاریخ ۲۹ می ۱۹۹۷ در یک ضیافت شام که در آتلانتا برگزار شد از نماینده شرکت کوکا کولا به خاطر پشتیبانیش از اسرائیل در مقابل تحریم اقتصادی اعراب در سالهای ۱۹۵۴ تا ۱۹۸۰ تقدیر نمود.

(<http://www.bham.net/shofar/1997/0697/nbriefs.html>).
آژانس یهود پشتیبانی می شود برای کارگزارانش دوره های آموزشی حمایت از اسرائیل (شامل مشاجره اعراب و اسرائیل) را برگزار میکند <http://www.meitar.org.il/news/news.htm>

5. به گزارش روزنامه هآرتص در تاریخ ۱۹ جولای ۲۰۰۲ شرکت کوکا کولا به منظور اشتغال زائی برای ۷۰۰ اسرائیلی کارخانه ای را در شهرک کیریات گات واقع در حیفا بنا می کند.

<http://www.inminds.co.uk/boycott-news-0226.html>

6. کوکا کولا به اسرائیل کمک نظامی می کند: چندی پیش آژانس یهودی دیاسابورا، با انتشار گزارشی از حمایت گسترده شرکت های بزرگ جهان به صهیونیسم و رژیم صهیونیستی پرده برداشت. در این گزارش آمده است شرکت های نوشابه سازی کوکاکولا و پیپسی، هر کدام معادل ۲/۳ میلیارد دلار در سال برای تحقق آرمانهای این آژانس کمک میکنند که این رقم ۵/۴٪ کل فروش سالانه این شرکتها که بالغ بر ۷۰ میلیارد دلار می باشد را تشکیل می دهد.

اما نکته مهم آن است که شرکت کوکاکولا اخیراً تجهیزات کمپیوتری بسیار مدرنی را به ارزش ۱/۳ میلیارد دلار در اختیار ارتش اسرائیل قرار داده است.

۱۳ - تاریخ: شنبه ۶ آبان ۱۳۸۵ کد مطلب: ۲۲۷۳ - motalebe.ir :

۱۴ - (عصر ایران ۲۹ تیر ۱۳۸۸) خبرگزاری، ریا نووستی، روسیه، ۱۸ فروردین

